

فلسفه تحلیلی و اتهام تاریخ‌هراسی

محمدسعید عبداللهی^۱، محمدعلی عبداللهی^۲

چکیده

بنا بر نظر برخی از فیلسوفان، بی‌اعتنایی به مسائل تاریخی یکی از ویژگی‌های فلسفه تحلیلی در مقایسه با دیگر مکاتب فلسفی است. بهمین دلیل همواره اتهام بیتوجهی به موضوعات تاریخی (تاریخ‌هراسی) را به فیلسوفان تحلیلی نسبت می‌دهند و آنها را سرزنش می‌کنند. در طرح و بیان این ادعا، فیلسوفان قاره‌یی و سنتگرا با یکدیگر همداستانند. اما آیا منتقدان فلسفه تحلیلی براهین کافی و قانع‌کننده‌یی برای این اتهام دارند؟ یا اینکه بیتوجهی به تاریخ، ادعایی بی‌پایه است که برخاسته از تلقی نادرست و شناخت ناکافی از این نهضت فلسفی است؟ در این مقاله درصددیم از سویی ادعا، استدلالها و شواهد منتقدان را برای عدم آگاهی تاریخی در فلسفه تحلیلی روشن کنیم و از سوی دیگر، توجه و دقت در نحوه نگرش فیلسوفان تحلیلی به تاریخ فلسفه و دلایل آنها را بیان نماییم. تأکید ما بر اینست که اولاً، باید میان تاریخ‌انگاری ذاتی، تاریخ‌انگاری ابزاری و تاریخ‌انگاری ضعیف تمایز قائل شد. فیلسوفان تحلیلی شاید با تاریخ‌انگاری ذاتی مخالف باشند ولی نوعی تاریخ‌انگاری ضعیف را می‌پذیرند. ثانیاً، تأکید بر تمایز تاریخ مسائل فلسفی از تاریخ فلسفه نباید بمعنای تاریخ‌هراسی یا همسانسازی گذشته و حال تلقی شود.

۴۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران؛ m.saied.abdollahi@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ abdollahi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۲ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.11.4.3.2

کلیدواژگان: فلسفه تحلیلی، تاریخ فلسفه، فلسفه قاره‌یی، متافیزیک،
تاریخ‌هراسی.

* * *

مقدمه

دو رقیب مهم فلسفه تحلیلی در فلسفه معاصر غرب، یعنی فلسفه قاره‌یی و فلسفه سنتی، هرچند چالشها و خرده‌گیریهای مختلفی در مواجهه با فیلسوفان تحلیلی دارند اما در این دیدگاه که فلسفه تحلیلی از عدم آگاهی تاریخی رنج میبرد، با هم اتفاق نظر دارند. از طرفی دیگر، فیلسوفی مانند رورتی که در سنت فلسفه تحلیلی تعلیم دیده است، در کتاب *فلسفه و آینه طبیعت*، از منطری پراگماتیستی معتقد است فلسفه تحلیلی بدنبال آنست که از تاریخ فرار کند (Rorty, 1979: p. 9).

در باب اهمیت تاریخ فلسفه و توجه فیلسوفان به تاریخ، سخن بسیار گفته شده است. در دهه‌های گذشته فیلسوفان بسیار در باب اهمیت تاریخ فلسفه سخن گفته‌اند و همواره درباره اهمیت تفکر تاریخی در فلسفه و نادیده گرفتن گذشته هشدار داده‌اند، تا آنجا که عده‌یی مانند کروگر، معتقدند: «فلسفه دارای ماهیتی تاریخی است و مطالعه تاریخ در فلسفه تنها بدلیل ویژگی پراگماتیستی آن نیست بلکه بینش فلسفی، اساساً ماهیتی تاریخی دارد» (Kruger, 1984: p. 79). دیدگاه کروگر و فیلسوفانی که با او هم‌عقیده‌اند را «تاریخ‌انگاری ذاتی» نامیده‌اند. از سویی دیگر، اندیشمندانی مانند تیلور بر «تاریخ‌انگاری ابزاری» اصرار دارند و معتقدند: مطالعه تاریخ ضروری است اما تاریخ تنها یک ابزار برای رسیدن به اهداف و مضامینی است که ماهیت آنها غیرتاریخی است و بهمین دلیل بدون خواندن تاریخ فلسفه و بهره‌مندی از آن،

۴۲



سال یازدهم، شماره چهارم
بهار ۱۴۰۰